

پیوند شرق و غرب اسلامی گزارش همایش از قرطبه تا اصفهان

امیرحسین شرافت

در بهار سال جاری شهر تاریخی اصفهان شاهد برپایی همایش بین‌المللی از قرطبه تا اصفهان با حضور جمعی از اندیشمندان داخلی و خارجی بود. این نشست به مدت سه روز در اردیبهشت ماه به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران و به ریاست دکتر مهدی محقق برگزار شد.

اندیشه برگزاری این همایش، نخست با پیشنهاد شرکت‌کنندگان همایش «اهمیت و اندیشه میراث علمی اسلامی»^۱ مطرح شد. سپس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و مؤسسه مطالعات اسلامی مقدمات برگزاری آن را فراهم آوردند. نهادهای دیگری که در برگزاری آن مشارکت داشتند عبارتند از: مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها، بنیاد ایران‌شناسی، دانشگاه پیام نور، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه علامه طباطبائی، سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد،^۲ مؤسسه فرانسوی تحقیقات ایرانی،^۳ وزارت امور خارجه، وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

سوژهٔ ابتکاری کنگره موجب جذب شماری از اصحاب فکر شده بود. بیش از ۶۰ تن از استادان برجسته و متخصصان فلسفه اسلامی و اروپایی شرکت داشتند که نیمی از آن، از کشورهای ترکیه، مراکش، فرانسه، بلژیک، مالزی، شبه قاره هند، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، پاکستان، عراق، اسپانیا، آلمان، کانادا، سوئیس، امارات متحده عربی و اتریش دعوت شده بودند.

در توضیح موضوع محوری و خاستگاه همایش باید گفت: فرهنگ و تمدن گسترده مسلمانان در سده‌های دوم تا ششم قمری دو پاره مهم داشت. کانون پاره غربی آن اندلس و قرطبه و پاره شرقی آن بغداد بود. نماد مبرز آن در مشرق ابن سینا و در غرب ابن رشد است. عنوان کنگره یادآور جغرافیای

وسیع حاکمیت اسلامی و بسط جهانی فرهنگ مسلمانان و ظهور شخصیت‌های بی‌بدیل در این فرهنگ و تمدن در گوشه گوشه جهان اسلام است.

برنامه همایش در روز اجلاس این‌گونه آغاز شد: پس از تلاوت آیاتی از قرآن کریم، سرود جمهوری اسلامی و سخنان استاندار اصفهان، پیام آقای احمد مسجد جامعی وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی قرائت شد. پس از آن دکتر مهدی محقق به عنوان رئیس همایش به ایراد سخن پرداخت. در ادامه پیام آقای کویشرو ماتسورا مدیر کل یونسکو توسط خانم نوشین انصاری خوانده شد. سخنان پروفسور هرمان لندلت^۴ پایان‌بخش جلسه افتتاحیه بود.

اولین سخنران نشست اول همایش، رضا داوری، رئیس فرهنگستان علوم بود که موضوع «ابن رشد و فلسفه اسلامی» را برای سخنرانی خود برگزیده بود.

دانشمند مراکشی بن ناصر بعراتی به عنوان دومین سخنران موضوع «عقب نشینی تفکر انتقادی در غرب اسلامی در اواخر قرون وسطی» را بررسی کرد. او با اعتقاد به انحطاط چشمگیر فعالیت عقلی در غرب جهان اسلام به از بین رفتن علاقه به فلسفه پس از ابن خلدون، اشاره کرد.

محمد رضا بهشتی با عنوان «ابن رشدیان لاتینی و محکومیت سال ۱۲۷۷م» به ایراد سخن پرداخت و اظهار داشت: با ترجمه آثار فیلسوفان مسلمان به ویژه ابن سینا و ابن رشد به زبان لاتین، اندیشه‌های این دو فیلسوف در عالم مسیحیت تأثیر بسزایی گذاشت به گونه‌ای که در دانشگاه سوربن پاریس جمعی از مدرسان با برداشت خاص خود از برخی اندیشه‌های ابن رشد، به عنوان ابن رشدیان لاتینی Averroists شهرت یافتند. پیدایش این نحله و ترویج آرای ابن رشد درباره عقل فعال و همچنین نسبت میان حقیقت دینی و حقیقت عقلی خشم کلیسا را برانگیخت و موجب محکوم شدن این آرا از جانب کلیسا در سال ۱۲۷۷ میلادی گردید.

«ابن باجه به عنوان پیشگام مکتب قرطبه و دیدگاه او در خصوص شیوه شرقی تکوین فلسفه» عنوان مقاله برهان کروگلو از کشور ترکیه است. او با تأکید بر برخی ویژگی‌های فلسفی ابن باجه مانند: شیوه تفسیر، نظریه او درباره دولت صالحان و اهل تقوی و نقد او بر نظریه باطنی علم، جایگاه ابن باجه در مکتب مشهور به قرطبه و نقش او در شکل‌گیری این مکتب، که اوج آن در ابن رشد است را مورد بررسی قرار داد.

سخنران بعدی نصرالله پور جوادی بود که سخنرانی خود را با عنوان «جایگاه آذربایجان در تاریخ فلسفه در دوره سلجوقیان و ایلخانان» ایراد کرد. ایشان از عوامل متعدد اجتماعی، فرهنگی و جغرافیایی در شکل‌گیری نظام فکری و اندیشه‌های فلسفی هر فیلسوف نام برد که، معمولاً عامل جغرافیایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. او مناطقی از جهان اسلام مانند شبه جزیره عربستان را از نظر تاریخی هیچ‌گاه مناسب رشد فلسفه ندانست و بر عکس برخی مناطق مانند آذربایجان را در دوره‌های متمادی مرکز فعالیت‌های فلسفی در کل جهان اسلام معرفی کرد.

«گونه شناسی‌های زمان در تفکر اسلامی» عنوان مقاله گرهارد باورنیک از آمریکا است. به اعتقاد او تعریف ویژگی‌های مفهوم زمان در اسلام را می‌توان در دامنه گسترده در ادبیات اسلامی دنبال کرد.

کریم داگلاس کرو از آمریکا و شاغل در مالزی سخنران بعدی با عنوان «نقد فلسفه توسط محمد باقر مجلسی - نفس و عقل» بود. او با ابراز این که مجلسی از عناصر کلیدی حکمت در تشیع دوره صفوی است؛ از او به عنوان فردی آشنا به اندیشه‌های مکتب اصفهان به ویژه میرداماد و شاگرد او ملاصدرا یاد کرد. به اعتقاد کرو، مجلسی که آشکارا از فهم دینی - فلسفی روان‌شناسی نقش کارکردهای عقل و ابعاد کیهان شناختی آن‌ها (نهایتاً مبتنی بر اندیشه‌های ابن سینا و مکتب اشراقی سهروردی) مطلع است، ولی تفسیر فلسفی این مفاهیم کانونی را بر نمی‌تابد.

پرویز اذکائی سخنران بعدی همایش مقاله خود را با عنوان «ارتباط ایران با اندلس» عرضه کرد. او به نحوه فروپاشی امپراتوری روم بر اثر یورش اقوام هندو ایرانی و تصرف شبه جزیره «ایبری» (اسپانیا/اندلس) توسط مسلمانان پرداخت و به سه سده فرمانروایی سلاله پادشاهی «گوئی» (ویزیگوئی) و به تعبیر مورخان اسلامی «رودریقی» یا جلالقه ایرانی تبار اشاره کرد. وی از خاندان‌های ایرانی تباری مانند «رستمیان» اصفهانی «رازی» در «گالیسیه» و «طلیطله» یاد کرد که تأثیرات بارز علمی، ادبی معروفی در اندلس داشته‌اند.

«ارتباط میان ابن رشد و ابن عربی و ضرورت بازنگری تاریخ اندیشه» عنوان سخنرانی ویکتور پالجا دیوستیزا است. ایشان به اشاره به ملاقات مشهور ابن رشد و ابن عربی، از آن به عنوان عالی‌ترین نماد رابطه میان فلسفه و عرفان از زمان پیدایش تحقیقات شرق شناسی یاد کرد. او برداشتها و تفسیرهایی که در غرب از رویارویی این دو شخصیت شده است را متأثر از اندیشه اروپای قرن نوزدهم می‌داند این اندیشمند اسپانیایی می‌گوید: اینک وقت آن فرا رسیده که اشتباهات ناشی از قرائت‌های قرن نوزدهمی اصلاح شود و با بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌های اخیر، تلافی و برخورد آراء و افکار ابن رشد و ابن عربی با نگاهی تازه مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

احسان شهرستانی «تأویل وحی میان مکتب قرطبه و اصفهان» را برگزیده بود. ایشان پس از پیشگفتاری در مورد نقش عقل در یافتن ناشناخته‌ها، به مقایسه صحانه‌ها و اختلاف‌های دو مکتب قرطبه و اصفهان در فرضیه‌ها، منابع و روش‌شناسی پرداخت.

هانس دایبر زیر عنوان «تشکیک وجود از دیدگاه ملاصدرا» به بحث پرداخت. به عقیده او، ملاصدرا مفهوم تشکیک وجود را به قصد تبیین تقارن وحدت و کثرت طرح کرد. دایبر باور دارد که این مسأله، ذهن ما را درباره گفتگوی «فلسفی» میان قرطبه و اصفهان روشن خواهد کرد.

محمود ارول قلیچ از کشور ترکیه، سخنرانی خود را با عنوان «از قرطبه تا اصفهان، ملاقات ابن عربی با ابن رشد» ایراد کرد و با اشاره به سفر ابن عربی برای ملاقات با ابن رشد به هنگامی که

صوفی جوانی بود. آن را نه ملاقات برای بحث دربارهٔ مسائل متافیزیکی بلکه ملاقاتی برای بررسی توانایی و فهم دو طرف دانست. به اعتقاد ایشان در تاریخ طولانی فلسفه اسلامی از قرطبه تا اصفهان مرحله‌ی سپری شده است و فیلسوفان بسیاری در سرزمین ایران اندیشه‌های ابن عربی را به فلسفه خویش وارد کردند. ورود این اندیشه‌ها در مکتب اصفهان بیشتر بوده است.

حامد فولادوند زیر عنوان «گفت‌وگویی تاریخی اندلس با فرهنگ ایران زمین» سخن گفت. ایشان با اشاره به فتح اندلس توسط سپاه اسلام و استقرار حکومت اسلامی به مدت هفت قرن در اندلس به نحوه حضور ایرانیان در آن سرزمین پرداخت و ایرانیان و همراهانی از اهل شیراز را جزو نخستین مهاجران مسلمان ذکر کرد که، در آن‌جا مستقر شدند.

«رابطه دین و فلسفه از نظر ابن رشد» عنوان سخنرانی احمد احمدی است. ایشان به قلمرو اختلافات فلسفه‌ستیزان با فلاسفه پرداخت و موارد کلی اتفاق و اختلاف میان دین و فلسفه، را بررسی کرد.

سید سجاد رضوی «مناقشه بر سر عقل میان قرطبه و اصفهان، تفسیرهای متغایر بر کتاب النفس» را موضوع بحث خود قرار داد و با اشاره به تحلیل ارسطو از عقل فعال در کتاب حیوان از آن به عنوان عبارتی که در تاریخ فلسفه بیشترین مناقشه دربارهٔ آن صورت گرفته است یاد کرد و به مقایسه و مطالعه تفسیر ابن رشد بر این متن دشوار با توضیحات ملاصدرا پرداخت.

خانم رکسان مارکوت از کانادا سخنران دیگر همایش بود که سخنان خود را با عنوان «دلایل ملاصدرا بر وجود ذهنی در المسائل القدسیه» ایراد کرد. ایشان با مهم شمردن تجربه و تحلیل و اثبات موجودات ذهنی و وجود آنها برای هر بحث معرفت‌شناختی به اعتقاد ابن سینا به یک وجود ذهنی متفاوت اشاره کرد و از تبدیل آن در زمان قصرالدین رازی و نصیرالدین طوسی به بخشی از مباحثات فلسفی نام برد در حالی که در آثار ملاصدرا به یک تحلیل مسبوط فلسفی بدل شد.

«سیر و تطور نظریه زمان در مکتب فلسفی اصفهان» عنوان سخنرانی مهدی دهباشی است. ایشان با اشاره به شکل‌گیری مکتب فلسفی اصفهان، آن را مکتب فلسفی پویایی دانست که در ابداع و رایج نظریات جدید پروایی ندارد. ایشان از طرح نظریه زمان و حدوث زمانی ملاصدرا در مقابل نظریه زمان دهری میرداماد و به عنوان نمونه‌ای از این پویایی نام برد.

هرمان لندلت سخنرانی خود را با عنوان «پاسخ‌های فلسفی به چالش کلامی در غرب و شرق؛ ابن رشد و میرداماد دربارهٔ خالق در عدم» ایراد کرد. این اندیشمند سوئیسی با اشاره به اقتضای کلامی اعتقاد به عقیده خلق از عدم و حدوث عالم به پاسخ‌های ابن رشد و میرداماد در تبیین خلقت پرداخت. دکتر لندلت با تشریح عقیده «حدوث دائم»، گفت: ابن رشد در حالی که انتقاد غزالی از عقیده ابن سینا در خصوص علیت ذاتی را پذیرفته و آن را برای تبیین خلقت نا کافی می‌داند، می‌کوشد آن را با عقیده ارسطویی حرکت ابدی جایگزین کند. لندلت با بیان عقیده فلسفی میرداماد با عنوان حدوث دهری، از

آن به عنوان نظریه‌ای که می‌کوشد تا به شیوه اشراقی ثابت کند که خلقت از عدم واقعیتی راستین است نه مسأله صرفاً علی منطقی، با این حال تصور «سبب زمانی» را دخالت نمی‌دهد.

«از ابن رشدی ملاصدرا و پس از آن: «علم نو» معنویت و چالش‌های ادراک» عنوان مقاله جیمز موریس است. او رو یا رویی شگفت‌انگیز دو اندیشمند برجسته قرطبه‌ای قرن دوازدهم یعنی ابن رشد و ابن عربی را نمادی از سیر پسینی فلسفه در جامعه «غرب» و «شرق» می‌داند. و اندیشه‌های جدید را در این ارتباط تحلیل می‌نماید. به عقیده این دانشمند آمریکایی و شاغل در انگلستان، تاریخ نگاران مدرن علم، آن راه و روش‌های بعدی تأثیری گذاری را برجسته کرده‌اند که، معطوف به مطالعه غربی طبیعت و جامعه در رنسانس اروپایی و تا حد زیادی مدیون مسایل و گرایش‌های فرا فلسفی گوناگون بود. به نظر ایشان همین مورد را می‌توان درباره دگرگونی‌های فلسفه پسینی پس از اسلام ایران باز گفت که به وسیله دو چهره خلاق و کلیدی چون سهروردی و ملاصدرا آغاز و گسترش یافت.

سید موسی دیباج سخنان خود را زیر عنوان «مکان و مکان فلسفی» آغاز کرد و با بیان مقدمه‌ای در هستی و نقد نظریه هیدگر به تبیین «دازاین» یا هستی انسانی پرداخت و دازاین هستی را که یکی هستی‌اندر که بدون ملاحظه معنی مکانی آن نمی‌توان در نظر گرفت. دیگر فرازهای بحث و تحلیل آراء هایدگر در انسان‌شناسی و جهان‌شناسی و مقایسه با نظرات برخی فلاسفه از جمله اسپینوزا است.

خانم اورسلا باتر از کشور اتریش سخنران دیگر زیر عنوان «پارادایم‌های فلسفه چند فرهنگی» به بحث پرداخت. او با ارایه تعریفی از فلسفه میان فرهنگی، آن را مفهوم نسبتاً جدیدی دانست که در دهه ۹۰ وضع شده است و به این واقعیت توجه دارد که، در تکوین جهانی‌سازی گرایش به تکثیر فرهنگی نه صرفاً به معنی همزیستی فرهنگ‌ها، بلکه به معنی ارتباط متقابل فرهنگ‌ها است.

«مفهوم نبوت نزد ملاصدرا در سیاق کمال روحانی نفس»، عنوان سخنرانی شیجیرو کامادا از کشور ژاپن است. کامادا با اشاره به طرح مسأله نبوت و شریعت از نظر ملاصدرا، آن را در دو جهت معرفت‌شناسی و جنبه اجتماعی نبوت مورد بررسی قرار می‌داد. ایشان با ارایه تقسیم‌بندی ملاصدرا برای انسان، نبوت (یا رسالت) را در نظر ملاصدرا غیر منقطع دانست و آن را همان طور که در تصوف شیعی قلمداد می‌شود ذاتاً به مثابه ولایت تلقی نمود. بر این اساس نبوت به اولیاء، امامان و حتی به طور ظاهری به مجتهدین انتقال می‌یابد.

«از اصفهان تا قرطبه: اسطوره ابن سینا» عنوان مقاله بکر کارلیگا است. ایشان با اشاره به تصویر افسانه‌ای که از ابن سینا در شرق و غرب شکل گرفته، از او به عنوان ملکزاده‌ای قهرمان یا حکیمی افسانه‌ای که مانند یک کیمیاگر و یا جادوگر همه چیز را به طلا مبدل می‌سازد، نام برد. کارلیگا در ادامه به حکایت‌ها و قصه‌های درازی اشاره کرد که در ادبیات فارسی و ادبیات ترک به روایت شخصیت افسانه‌ای ابن سینا پرداخته‌اند. ایشان به نقل فرازهایی از کتابی به نام «داستان‌های ابن سینا» که ظاهراً توسط درویش حسن مهدی نویسنده ترک قرن ۱۶ میلادی نوشته شده پرداخت.

علی دوانی سخنرانی خود را با عنوان «قرطبه و اصفهان و تشابه آن دو مکتب فلسفی» ایراد کرد. او با اشاره به ورود فلسفه از یونان به اسلام و گرامی داشتن مقدم آن توسط مسلمانان، فلسفه‌ای که پس از قرون وسطی از راه شرق و ممالک اسلامی به غرب آمد را جامع‌تر و کامل‌تر معرفی کرد. دوانی، سهم بغداد را در این خصوص مهم ذکر کرد که قسمتی از آن به اسپانیای اسلامی (اندلس) رفت و در نتیجه فلسفه راه را از قرطبه به اروپا نزدیک‌تر کرد. ایشان یکی از وجوه تشابه دو مکتب فلسفی قرطبه و اصفهان را عرضه آثار و کتاب‌های ذیقیمت فقهی در کنار آن همه کتاب‌ها و آثار فلسفی ذکر کرد و از کتاب‌های *بداية المجتهد و کتاب الکشف عن مناهج الادله* از ابن رشد و آثار فقهی میرداماد و شرح *اصول کافی* صدرالمآلهین شیرازی به عنوان نمونه نام برد.

دنيس گریل «از شرق به اندلس: رفت و برگشت‌های هرمنوتیک روحانی» را بحث کرد. ایشان با بیان وجود روایتی هرمنوتیکی در صدر تصوف که طبق آن قرآن فقط جایگاه اشاره به حالات روحانی قرائت کننده نیست بلکه قبل از هر چیز مقامی می‌باشد که در آن حقایق الهی و خلقت به هم می‌رسند، از آن به عنوان جایی که ارکان متافیزیکی کائنات بی‌پرده آشکار می‌شوند نام برد. این اندیشمند فرانسوی با اشاره به حقایق واسطه یعنی اسماء الهی و حروف (معانی ظاهری) که گذار را میان نشانه‌های جهان و آیات قرآن ممکن می‌سازند، آن را برای درک وحی دارای اهمیتی اساسی ذکر کرد. گریل با اشاره به کتاب *تفصیل سهل تُستری* (درگذشت ۲۸۳ق/ ۸۹۶م) از دو رساله کوتاه او به نام *رسالات الحروف و فصل فی القرآن* یاد کرد که توسط ابن مسره (درگذشت ۳۱۹ق/ ۹۳۱م) از اهالی قرطبه در بازگشتش از مشرق زمین نسخه‌های آن به غرب اسلامی برده شد و در رساله‌ای به نام *کتاب خواص حروف و حقایق و اصول آن‌ها* توسط او عیناً نقل گردید. ایشان از متافیزیک و کیهان‌شناسی ابن عربی که به گفته وی از غوص در دریایی بیکران قرآن حاصل شده بود به نیکی یاد کرد.

«استعاره آفتاب در نوشته‌های ارسطو و تفاسیر گوناگون اندیشمندان قرون وسطا» عنوان مقاله خانم فابین پیرونه است. این مقاله به دنبال بررسی و سنجش طریقه‌ای است که توسط چندین اندیشمند قرون وسطی در تفسیر بسط استعاره آفتاب به کار گرفته شده است. به اعتقاد این محقق کانادایی این استعاره علاوه بر آن که مفاهیم نور و تابش مشعشع را که خصوصاً در فلسفه قرون وسطی حایز اهمیت می‌باشند پایه‌ریزی می‌کند، از نهاد و نقش عقل فعال نیز پرده بر می‌دارد.

یحیی میشو مقاله خود را با عنوان «از اصفهان تا اروپا از راه دمشق و ونیز (رساله اضحویة ابن سینا) در دوره ممالیک» ارایه کرد. به گفته این اندیشمند بلژیکی، رساله «اضحویة» ابن سینا علی‌رغم استفاده وسیع متفکران مشرق زمین مانند فخر رازی و ملاصدرا و دانشمندان خاور نزدیک مانند ابن تیمیه و ابن قیم جوزیه، از دسترس فیلسوفان مغربی (شمال آفریقا) دور ماند و این رساله در قرون وسطی به اروپای لاتین انتقال پیدا نکرده است. این محقق کانادایی تفاوت‌های میان تعالیم خاص ایشان درباره این موضوع را غیر نمایشی و کلیدی برای فهم تغییرات اساسی در دو خلق و خوی دینی گاه متعارض معرفی کرد.

«تداوم اندیشه فلسفی در ایران از قرن هفتم تا عصر حاضر» عنوان سخنرانی مهدی تدین است. به گفته ایشان تفکر فلسفی در ایران با وجود مخالفت‌های متکلمان اشعری و برخی متشرعان قشری که آرای ضد فلسفی ایشان در *تهافت الفلاسفه* غزالی تبلور یافت، هیچ‌گاه تعطیل نشد. تدین از وفات این رشد و سقوط اندلس و جنگ‌های صلیبی و تهاجم مغول، به عنوان لطامات جبران‌ناپذیر بر بیکره تمدن اسلامی یاد کرد که باز هم نتوانست سلسله تفکرات فلسفی در بین مسلمانان به ویژه مردم ایران را تضعیف کند. ایشان از ظهور خواجه نصیرالدین طوسی که به استاد البشر و عقل حادی عشر نامیده شد به عنوان کسی که با تألیف کتاب‌های متعدد، حکمت را در ایران جان تازه بخشید، یاد کرد.

در آیین پایانی همایش، عطاءالله مهاجرانی رئیس مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها خواهان برپایی همایش‌های سالانه برای بررسی حکمت و فلسفه در ایران و به ویژه در شهر اصفهان شد. مهاجرانی گفت: در صورت برپایی این‌گونه همایش‌ها، پس از یک یا دو دهه، دایرة‌المعارف غنی و بزرگی از حکمت و فلسفه اسلامی گردآوری و به دستداران علوم اسلامی تقدیم می‌شود. وی موضوع تکفیر در حوزه تفکر اسلامی در اعصار گوناگون را مهم و سد راه پیشرفت دانست. مهاجرانی، این‌که چرا دانشمندانی همچون سهروردی، عین القضات، ابن رشد و فارابی دچار تکفیر شده و به گوشه انزوا رانده شده‌اند را پرسشی جدی خواند. افزود: این معضل تا عصر کنونی نیز ادامه داشته است چنان‌چه متفکری مثل علامه طباطبایی سال‌ها تفکرات فلسفی خود را در پنهان عرضه می‌کرد.

نکته ۱: در یک ارزیابی کلی، مقالات ارائه شده به همایش نشانگر، اهتمام پژوهشگران داخلی و خارجی، مسلمان و غیرمسلمان به ریشه‌های فکری و علل تاریخی تمدن اسلامی به ویژه وضعیت عقلانیت در آن است.

نکته ۲: به گفته دکتر مهدی محقق، برنامه‌ریزی برای برگزاری همایش دیگری با میزبانی شهر قرطبه در حال انجام است.

پی‌نوشت

۱. این همایش به مناسبت گذشت سی‌سال از تأسیس مؤسسه مطالعات اسلامی وابسته به دانشگاه تهران و دانشگاه مک‌گیل کانادا، در خرداد ماه ۱۳۷۸ در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد.

۲. یونسکو Unesco.

3. IFRI.

4. Herman Landolt.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی